

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدپیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۰۰

۱۶ فروردین ۱۳۸۱

۵ آوریل ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

مبارزات کارگری

در سال ۸۰

صفحه ۴

مخلصانه در دفاع

از رژیم اسلامی

صفحه ۳

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

به این توحش باید خاتمه داد!



از کمپین احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق علیه جنایات دولت اسرائیل حمایت کنید صفحه ۳

"امید به صلح" آخرین قربانی شارون

مصاحبه با گورش مدرسی

درباره هجوم اخیر دولت اسرائیل به مردم فلسطین صفحه ۲

در گام اول مستلزم برسمیت شناختن حق کامل حاکمیت مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطینی است. تنها در این شرایط است که زمینه‌های جنگ طلبی فاشیستی و تروریسم اسلامی از میان برداشته میشوند. تنها در این شرایط است که خاورمیانه میتواند روی آسایش و امنیت را بخود ببیند.

حزب کمونیست کارگری تمامی مردم آزادیخواه را به اعتراضی همه جانبه و گسترده فرا میخواند. باید به این توحش خاتمه داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ مارس ۲۰۰۲

بیار معرکه و یک پای جنگ بر علیه مردم فلسطین تبدیل شده است.

حزب کمونیست کارگری از همه مردم آزادیخواه و صلحدوست جهان میخواهد که با اعتراضات همه جانبه خود، با تحت فشار قرار دادن دولتهای اسرائیل و آمریکا جلوی این وحشیگریها را بگیرند. کلیه عملیات نظامی باید بطور کامل قطع شود. محاصره مرکز اقامت یاسر عرفات باید فوراً متوقف شود. دولت اسرائیل باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی از کلیه مناطق فلسطین خارج شود. تمامی دستگیر شدگان باید آزاد شوند.

محاصره اقتصادی مردم فلسطین باید متوقف شود. صلح در خاورمیانه

اسرائیل است. شیرازه جامعه فلسطین از هم گسیخته و تباهی و فقر و استیصال بر مردم حاکم شده است. شارون و دولت اسرائیل مصممند تا پروسه صلح را به ناپودی و شکست کامل بکشانند. دولت اسرائیل میکوشد به بهانه امنیت اسرائیل مردم فلسطین را به ذلت و خواری و تسلیم وادار کند. سیاستی که علاوه بر محتوای ضد انسانی‌اش، بارها شکستش به اثبات رسیده است.

دولت آمریکا در تمام این فجایع سهیم است. دولت آمریکا با حمایت همیشگی سیاسی، مالی و نظامی خود از اقدامات ضد انسانی دولت اسرائیل، با تأیید آشکار تهاجم اخیر، عملاً به آتش

اشغال و به خاک و خون کشیدن دوباره فلسطین انزجار و نفرت مردم آزادیخواه جهان و مردم صلح طلب اسرائیل را برانگیخته است. دستگیری پسران و مردان ۱۴ تا ۴۰ ساله، اشغال و تخریب محل اقامت یاسر عرفات، اعدامهای مخفیانه، به گروگان گرفتن معیشت و آذوقه روزانه و داروی مردم محروم و فقیر، غارت بانکها، تخریب مراکز تجاری و ساختارهای اقتصادی جامعه، اشغال بیمارستانها، گوشه‌ای از سیاست اخیر دولت فاشیستی و نژادپرست اسرائیل به رهبری آریل شارون است. تصویر صف جوانانی که شماره اسارتشان بر بازویشان مهر شده، قلب مردم جهان را فشرده است. همه این فجایع در مقابل چشمان بشریت، در مقابل دوربینهای خبرگزاریهای بین‌المللی، انجام میگردد.

این اقدامات دولت اسرائیل، در کنار عملیات انتحاری اسلامیستها و کشتار مردم غیر نظامی اسرائیل، خاورمیانه را در آستانه یک انفجار و جنگ همه جانبه قرار داده است. مسبب این وضعیت در درجه اول و بطور مستقیم دولت نژادپرست

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"امید به صلح" آخرین قربانی شارون

مصاحبه با گورش مدرسی درباره هجوم اخیر دولت اسرائیل به مردم فلسطین



خشن است چون با شنیع‌ترین و کثیف‌ترین خشونت یعنی اشغال فلسطین، پاکسازی قومی و کلتی سازی‌ها و انقیاد و تحقیر ۳۰ ساله فلسطینیان روبرو است. این دولت اسرائیل است که هر راه سیاسی برای پایان دادن به اشغال را مسدود کرده، ناامیدی، یاس و استیصال را به نرم جامعه فلسطینی تبدیل کرده است، استیصال و یاسی که مولد تروریسم اسلامی در کل منطقه است. این به اصطلاح سیکل خشونت یا خشونت اسرائیل شروع شده و با آن خاتمه مییابد. رشد فاشیسم اسلامی بیش از هر چیز محصول فاشیسم یهودی است و با حل مسئله فلسطین لجن‌زاری که اسلام سیاسی در آن رشد میکند خشک خواهد شد.

هفتگی: آیا به این ترتیب کار پروسه صلح و قرارداد اسلو تمام است؟

گورش مدرسی: بنظر چنین میرسد. بعید است که بدون شکست قطعی راست در اسرائیل بتوان از یک پروسه صلح واقعی صحبت کرد. درگیری‌ها ممکن است بالا و پائین برود اما بنظر میرسد راست در اسرائیل موفق شده همه را به خانه اول برگرداند با این تفاوت که دولت اسرائیل موفق شده تروریسم کور را تقویت کند.

هفتگی: چگونه میتوان اسرائیل را ناچار به دست برداشتن از این سیاست خشن و فاشیستی کرد؟

ظاهرا نه قطعنامه سازمان ملل و نه اعتراض مردم تاثیر بر دولت اسرائیل ندارد. **گورش مدرسی:** بنظر من شرط خاتمه این وضعیت شکست راست در اسرائیل است. راست باید بلحاظ اجتماعی و سیاسی شکست بخورد. نیروهایی که میتوانند این راست را شکست بدهند مقاومت مردم فلسطین، عروج جریان صلح طلب در خود اسرائیل و تقابل اکتیو، میلیتانت، بی‌آوانس و بدون گذشت، آن با فاشیسم یهودی و بالاخره اعتراض و مبارزه در سطح اروپا و آمریکا برای رسوائی این راست در دفاع از مردم فلسطین است. ترکیب این نیروها میتواند سرعت راست روی و دیدگاه‌های فاشیستی در اسرائیل را به شکست بکشاند.

هفتگی: حزب کمونیست کارگری ایران صلح در خاورمیانه را متضمن خاتمه اشغال فلسطین، برسمیت شناسی حق حاکمیت مردم فلسطین و تشکیل دولت فلسطین دانسته است. آیا تشکیل دولت مستقل فلسطین مشکل مردم در فلسطین را حل

مقابل دولت اسرائیل و کلتی‌های یهودی (که نام محکمه پسند شهرک و اسکان یافتگان - settlement - به آن داده‌اند)، و تحقیر دائم و سرکوب نظامی و پلیسی، سیاست دولت اسرائیل طی سی سال گذشته بوده است. این سیاست در مقابل جنبش اعتراض توده‌ای موسوم به انتفاضه شکست خورد. این شکست بنوبه خود فضا را برای بحث پسا صهیونیسم باز کرد. تشکیل دولت اسرائیل بر مبنای ایدئولوژی صهیونیسم که خواهان مهاجرت یهودیان به فلسطین و تشکیل دولت یهودی اسرائیل بود شکل گرفت. استقرار دولت اسرائیل و برخورداری آن از امنیت نسبی آخر صهیونیسم است. صهیونیسم، مثل همه انواع دیگر ناسیونالیسم، بحث روشن و واقع بینانه‌ای در مورد آینده بعد از تشکیل دولت ملی ندارد. اوضاع جهان بعد از اضمحلال بلوک شرق و بخصوص بعد از جنگ خلیج، که موقعیت استراتژیکی اسرائیل و کشورهای عربی در سیستم دول غرب را تغییر داد، بعلاوه شکست اسرائیل در مقابل اعتراض توده‌ای و گسترش یابنده مردم فلسطین، وجود این خلاء را برجسته کرد. این مبنای مباحثاتی شد که پسا صهیونیسم (Post-Zionism) نام گرفت. محور این بحث تعریف استراتژی و اهداف دولت اسرائیل و جایگاه آن در منطقه بعد از استقرار و تضمین نسبی امنیت دولت یهود بود. بر این متن افق یا آلترناتیو صلح با فلسطینیان و از این طریق صلح با کشورهای عربی و تبدیل دولت اسرائیل به مرکز تکنولوژیک و اقتصادی منطقه و طبعاً جذب کامل در خاورمیانه جا باز کرد. این افق مبنای عروج یک گرایش جویای صلح و کنار آمدن با فلسطینیان تا حد برسمیت شناسی دولت فلسطینی در دستگاه حاکمه و نهادهای فکری اسرائیل شد. اسحاق رابین در واقع سیاستمدار جلو صحنه این گرایش بود. روشن است که این گرایش در محیط و جامعه‌ای که بر مبنای یک ایدئولوژی مذهبی-نژادی و بر اساس پاکسازی فلسطینیان، به نفع یهودیانی که از اقصا نقاط جهان به اسرائیل مهاجرت میکردند، تشکیل شده است کار ساده‌ای نیست. رابطه اسرائیل با فلسطینیان، و اعراب بطور کلی، بر مبنای دیدگاهی نژادی-مذهبی شکل گرفته بود و این دیدگاه افق حاکم بر جامعه اسرائیل بوده است. از این لحاظ دولت‌های مختلف اسرائیل، چه متعلق به حزب کارگر بوده باشند یا به حزب لیکود همواره در این زمینه با راست‌ترین و فاشیست‌ترین

جریان‌های یهودی همراهی داشته‌اند و این جریان‌ها و احزاب را بعنوان احزاب مشروع و قابل ائتلاف قبول کرده‌اند. احزاب و جریان‌های مشابه آلمانی و فرانسوی و یا انگلیسی آنها لاقال از طرف نهادها و احزاب سیاسی اصلی، بعنوان فاشیست، طرد شده هستند. در اسرائیل این فاصله هیچگاه شکل نگرفت چون صهیونیسم مبنای مشترک بود. بهر صورت این فاکتورها کنار آمدن با سازمان آزادی بخش فلسطین و قرارداد اسلو را، بعنوان مبنای برسمیت شناسی موجودیت هردو طرف، ممکن ساخت.

فاکتور مهمی که این موقعیت را شکننده کرد و به جایی کشاند که امروز میبینیم، به اعتقاد من، فاصله نگرش یا بهتر است بگویم در نیفتادن ریشهای و همه جانبه جریان متمایل به صلح با ایدئولوژی و سنت نژاد پرستانه و فاشیستی ریشه‌دار در اسرائیل است. صلح خواهان کج‌دار و مریز صلح را از سر مطلوبیت تاکتیکی آن برای مهار کردن انتفاضه، ضمن حفظ کلتی‌ها و حق اسکان یهودیان در زمین‌های پاک سازی شده از فلسطینیان و تصویر یک دولت فلسطینی تحت کنترل اسرائیل توضیح دادند. راهشان را از فاشیسم یهودی جدا نکردند، با آن تسویه حساب نکردند. به این معنی جامعه اسرائیل با گذشته خود تسویه حساب نکرد و آینده‌ای بر متن داده‌های گذشته را در مقابل خود قرار داد. همین بسادگی به جریان راست فاشیست، که از همان ابتدا مخالف ایده صلح بود اجازه داد تا کل پروسه را بریاید، جریانی که از صلح انقیاد رسمی فلسطینیان را میفهمید و از استقلال فلسطینیان تصویر نه یک کشور بلکه مجموعه‌ای از مناطق تحت کنترل اسرائیل و البته با مدیریت داخلی فلسطینی داشت و دارد. حتی حزب کارگر در دوره نخست وزیری باراک با تفاوت‌هایی همین سیاست را ادامه داد. سیاست کلنیزه کردن (شهرک سازی) کماکان ادامه یافت و ادامه اشغال مناطق مهمی نظیر اورشلیم، منابع آب و حفظ کلتی‌های یهودی و همچنین محدودیت بر حق حاکمیت دولت فلسطین مینا قرار داشت. این سیاست از یک طرف پروسه صلح را به بن بست کشاند و از طرف دیگر با ادامه اشغال و سیاست‌های نژاد پرستانه و ادامه تحقیر روزمره فلسطینیان فضای یاس، سرخوردگی و استیصال را بوجود آورد که در

هفتگی: هجوم وسیع دولت اسرائیل به مردم فلسطین و اعمال سبیت و توحش غیر قابل وصف علیه این مردم هر انسان شرافتمندی را شوکه کرده است. اوضاع کنونی محصول چیست و مسئول این وضع چیست؟ **گورش مدرسی:** ابعاد ضد انسانی عملیات دولت اسرائیل در فلسطین همانطور که اشاره کردید وجدان هر انسان شرافتمندی را شوکه کرده است. لشکر کشی علیه مردمی بی دفاع، به اسارت در آوردن همه مردهای بین ۱۴ تا ۴۰ سال، بخطر کردن و شماره گذاری آنها، درست مانند شیوه فاشیست‌های هیتلری، قتل کودکانی که تنها جرمشان اعتراض به اشغال کشورشان است، ترورهای به اصطلاح هدفمند رهبران و فعالین سیاسی فلسطینی، مجازات دستجمعی مردم، تخریب منازل "مشکوک" و بی خانمان و بی سر پناه کردن هزاران خانواده، و ... اینها جنایت است. باید فوراً متوقف شوند و مسببین آن به دادگاه کشیده شوند. اگر نام این کشور بجای فلسطین یوگسلاوی بود امروز اربل شارون بعنوان جنایتکار جنگی و قاتل توده‌ای تحت تعقیب بود. اما استاندارد دوگانه و دلخواهی که غرب و بویژه آمریکا در جهان اعمال میکند یکی را جنایتکار و یکی را قهرمان تصویر میکند.

دلیل وضع کنونی بی روبرگرد سیاست دولت اسرائیل است. تروریست‌های اسلامی قطعاً آتش بیار معرکه هستند اما باز تولید تروریسم اسلامی و قابلیت آن در جذب نیروی جدید، بیش از تبلیغات اسلامیون، مرهون سیاست دولت اسرائیل است. دولت اسرائیل حاضر نیست به اشغال فلسطین پایان دهد، می‌خواهد کلتی‌های یهودی را که به زور بر زمین و خانه مردم فلسطین و با اخراج آنها ایجاد کرده است را حفظ کند، حاضر نیست دولت فلسطین را بعنوان یک دولت مستقل با حقوق برابر با خود برسمیت بشناسد. دولت اسرائیل صلح نمی‌خواهد، تسلیم فلسطینیان و همگامی آنها با سیاست‌های کلونیالیستی و نژاد پرستانه این دولت را می‌خواهد. این سیاست رسمی امروز دولت اسرائیل است. این سیاست اما به یک معنی

سیاست جدیدی نیست. دولت اسرائیل در واقع به سیاست گذشته خود بازگشت کامل کرده است. اشغال فلسطین، دستگیری‌های وسیع، مجازات دستجمعی مردم، بیحقوقی تقریباً کامل مردم فلسطین در

مخلصانه در دفاع از رژیم اسلامی

این نوشته در اصل در نشریه اینترنتی روزنه منتشر شده
که در اینجا تلخیص شده است. (هفتگی)

ایرج فرزاد

محسن حیدریان از قدیم توده ای‌ها و از سران جریان بابک امیرخسروی، مقاله‌ای تحت عنوان "اصلاحات و جریانهای خارج از کشور" برای ماهنامه جامعه اندیشه (چاپ "داخل!!") تهیه کرده است. انگار در شرایط شکست پروژه دو خرداد ماموریتی به او سپرده شده باشد، ایشان گزارشی از اپوزیسیون تهیه کرده است که در آن هر جا لازم بوده برای دلسوزان نظام پارتی بازی هم کرده است و به دیده اغماض ایرادات و یاس آنها را نسبت به خاتمی نگریسته است. او در این تاریخ فشرده سیر تکوین جریان اصلاح رژیم تا توانسته است اپوزیسیون "برانداز" را خطرناک توصیف میکند.

این گزارش را که خواندم بلافاصله نظر بازجوی ساواک در دوران زندانی شدنم بیادم آمد که برای دادرسی ارتش چنین نوشته بود: کمونیست متعصبی است که در تشکیل یک گروه برانداز فعال بوده است و انقلاب سفید و تغذیه رایگان در مدارس کوچکترین تاثیری بر او نکرده است. نمونه چنین "تحلیل" هائی از اپوزیسیون و "نگاه از درون" را قبلا در مقالات با امضای اسم مستعار توسط جناب "دکتر" حجاریان مقام امنیتی و رهبر فکری سیاسی سازمانی همین آقای آدم حیدریان را نیز شاهد بوده ایم. هسته اصلی گزارش محسن حیدریان در این جملات نهفته است: "تحول در اندیشه دینی ایران و بخش سنتی جامعه که از اوایل دهه ۶۰ آغاز شد و بسیاری از بازیگران سیاسی داخل کشور و حتی فقه شیعه را در برگرفت، از نظر متدیک به همان تحولی شباهت دارد که اصلاح طلبان خارج کشور... از سر گذراندند... بطور کلی نحله های گوناگون اسلامی از دکتر سروش گرفته تا نواندیشان دینی معطوف به دادن تعریف تازه‌ای از مفهوم دین و نقش آن در جامعه و بویژه آشتی دین با دمکراسی و انسانگرایی و چندگرایی بود"

ایشان همراه با سروش و جلائی پور و حجاریان، که در همان اوایل دهه ۶۰ در ماشینهای بدون شماره وزارت اطلاعات مشغول شکار هر مخالف جمهوری اسلامی بود، بر

از کمپین احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق علیه جنایات دولت اسرائیل حمایت کنید

احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق کمپینی را علیه جنایات دولت اسرائیل حول مطالبات زیر در دستور گذاشته اند:
- توقف فوری جنگ علیه مردم فلسطین
- عقب نشینی فوری اسرائیل از کلیه سرزمینهای اشغالی
- برسمیت شناسی حق تشکیل دولت فلسطین
- محکومیت دولت اسرائیل و محاکمه آریل شارون در یک دادگاه بین المللی بعنوان جنایتکار جنگی و
- محکومیت ترور شهروندان عادی اسرائیل توسط تروریسم اسلامی

همه مردم آزادیخواه را به حمایت از کمپین احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق و شرکت گسترده در میتینگها و آکسیونهای که به این مناسبت اعلام میشود فرامیخوانیم.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۴ آوریل ۲۰۰۲



میکند؟

گورش مدرسی: مشکلات مردم فلسطین یکسان نیستند. فلسطین هم مثل هرجای دیگری، از جمله مثل اسرائیل، کارگر و سرمایدار، زن و مرد، کودک و سالخورده و آدم آزاده و آدم مرتجع دارد. مذهبی دارد، کمونیست و لیبرال و محافظه کار دارد. ایده‌ل ترین راه این بود که اسرائیلی و فلسطینی هويت ملی و مذهبی‌شان را کنار بگذارند و کمونیستها و آزادیخواهان هر دو یک جامعه آزاد و برابر و فارغ از تعلق مذهبی یا ملی و قومی را سازمان دهند. بلحاظ نظری این ممکن است اما تحقق عملی فوری این آرمان بعید است. ناسیونالیسم و تعصبات مذهبی آنچنان دره عمیقی میان مردم اسرائیل و فلسطین کشیده که خاتمه اشغال فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطینی که با اسرائیل دارای حقوق متساوی است شرط هرگونه پیشرفت شده است. خاتمه اشغال فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطین به این تحقیر ملی و قومی-مذهبی پایان میدهد، هويت مدنی را به مردم فلسطین باز میگرداند و به آنها امکان میدهد تا در تعیین آینده و نحوه اداره جامعه‌شان بدون از تحریکات ملی دخالت کنند. پایان اشغال و حل مسئله فلسطین بعلاوه به طبقه کارگر و نیروهای آزادیخواه و برابری طلب



برمیآید که خط هوادار سفارت جمهوری اسلامی در میان اپوزیسیون پرو رژیم، و از جمله در حزب دمکراتیک مردم ایران و دو قلوهایشان در جمهوری خواهان ملی و اکثریت، تلاشی برای دادن روحیه به صفوف ورشکسته دو خرداد در خارج کشور را شروع کرده است. اما بجائی نرسید. ما این را تضمین میکنیم. اما بر من روشن نیست که آقای حیدریان بابت این سماجت فلائزی در دفاع از جمهوری اسلامی پولی هم عایدش میشود یا از روی ایمان صادقانه به "دستاورها"ی خرداد ۶۰ به بعد، به جمهوری اسلامی سواری میدهد؟ انگار عیار طرفداری از جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی چنان در ایشان بالاست که آنهمه مبارزات کارگران، معلمان و جوانان که حکومت مشتقی چپاولگر طفیلی را نشانه گرفته اند، و تحولات دنیا پس از ۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان در افغانستان، نتوانستند چنان تاثیر داشته باشند که ایشان "تحول چشمگیری" از سر بگذارند و از خواب زمستانی بیدار شوند. او کماکان در دخمه تاریک و خونین دگمهای اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی اوارد میخواند و به اطرافیانش و لشکر پریشان حال خود فوت میکند. هیچ حقیقتی و هیچ تحولی جز سرنگونی جمهوری اسلامی و به سرانجام رسیدن قطعی زوال اسلام سیاسی، هواداران مکتبی و سفارتی و سفارشی رژیم ۲۳ سال جنایت و نسل کشی و سنگسار و قمه و زنجیر را بیدار نخواهد کرد. شاید در کنار محاکمه جنایتکاران رژیم اسلامی جناب محسن حیدریان در شرایط خلج ید اسلام از قدرت، فضائی برای بیدار شدن وجدان انسانی بیاید. امپوارم، اما بعید است، چرا که فالانژهای مکتبی رژیمهای فاشیستی ترجیح میدهند به تاریخ ببینوند" و به مکتب خود پشت نکنند. اینهم نوعی "ایمان" است، شاید در اوضاع انقراض مدنیت و رواج توحش به اشکال دیگری در گوشه دیگری از جهان، ایشان خواسته است بعنوان اسطوره ارتجاع اسلامی ثبت شود. ■

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مبارزات کارگری در سال ۸۰

شهلا دانشفر

در سال ۸۰ در حالیکه دامنه اعتراضات توده ای در جامعه هر روز گسترده تر میشد و اشکال رادیکالتری بخود میگرفت، ما شاهد جنب و جوش چشمگیری در جنبش کارگری بودیم. بویژه از اواسط سال گذشته شتاب این اعتراضات بیشتر شد و اشکال تعرضی تر بخود گرفت. از سوی دیگر سال ۸۰ سالی پر مشقت برای کارگران بود. بیش از نیم میلیون کارگر ماههاست دستمزدی نگرفته و با طرح بازسازی صنایع نساجی بیش از هزاران کارگر در معرض بیکاری قرار گرفتند.

سال ۸۰ اعتراضات کارگری در تمامی شهرهای ایران جریان داشت و موارد بسیاری از این اعتراضات موفقیت کارگران را بدنبال داشت. کثرت این اعتراضات و هر روزه بودن آن، تعرضی تر شدن شکل این اعتراضات در اشکال راهپیمایی، بستن جاده ها و پیکت کردن، برپایی مبارزات فراکارخانه ای و بعضا فرارشته ای و در سطح چند کارخانه، به نمایش گذاشتن نمونه های برجسته ای از اتحاد کارگری، جلب حمایت مردم و خانواده های کارگری از این مبارزات از جمله صفات ویژه و برجسته ایست که اعتراضات کارگری در سال ۸۰ را نسبت به سالهای گذشته متمایز میکند و بیانگر رشد و پیشروی جنبش کارگری در ایران است. تظاهرات معلمان در دیماه سال گذشته یک نقطه عطف تعیین کننده در مبارزات کل اقصای معترض جامعه و در مبارزات کارگری در سال ۸۰ بود. تظاهرات هزاران نفره معلمان که در رسانه ها و تلویزیون دولتی منعکس شد، به نقطه آمیدی جدی در میان همه اقشار جامعه و در میان کارگران تبدیل شد. معلمان در مبارزاتشان با اعتراض علیه تبعیض و نابرابری، علیه تحقیر، علیه سانسور و خفقان و با خواست های حق تشکل و غیره و با رادیکالیسم خود بعنوان یک نیروی برابری طلب، سکولار و چپ در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند و حرکت آنها بر ارتقاء و پیشبرد سطح

توقع و خواسته های کل اقصای جامعه و اعتراضات کارگران تاثیر گذاشت. حرکت اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز با شعار معلم کارگر اتحاد، نمونه بارزی از تاثیر این مبارزات بر اعتراضات کارگری و بر خواستها و شعارهایشان بود. در این حرکت اعتراضی کارگران به دستمزدهای معوقه خود و به بی سروسامانی کارخانه معترض بوده و علیه تبعیض و علیه سانسور شعار داده و خواهان افزایش دستمزدهایشان شدند. بدنبال این اعتراضات کارگران در مبارزاتشان نه تنها خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود بودند بلکه خواست افزایش دستمزدها به خواست فوری کارگران تبدیل شد.

در سال ۸۰ اعتراضات کارگری عمدتا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، علیه بیکاری، خواست بازگشت به کار و نیز خواست افزایش دستمزدها در اشکالی رادیکال و سیاسی انجام گرفت و خود فاکتور مهمی در وضعیت وخیم جمهوری اسلامی بود. مبارزه علیه بیکارسازی ها در صنایع نساجی کشور که تحت عنوان طرح بازسازی این صنایع به اجرا گذاشته شد، بویژه در شهر اصفهان و تظاهرات همزمان کارگران نساجی چندین کارخانه در خیابانهای این شهر نگرانی و هراس رژیم را برانگیخت.

اشکال اعتراض کارگران

در سال گذشته خبر بیش از سیصد حرکت اعتراضی کارگری از سد سانسور رژیم گذشت و در روزنامه ها انعکاس یافت و یا مستقیما بدست ما رسید. این اعتراضات عمدتا در اشکال تظاهرات و راهپیمایی در سطح شهر، بستن جاده، گذاشتن پیکت و اجتماع مقابل مراکز دولتی از جمله در مقابل مجلس شورای اسلامی، دفتر ریاست جمهوری و مقابل دفتر سازمان بین المللی کار، تحصن و کشاندن اعتراضات به سطح جامعه و حتی انعکاس آن در سطح بین المللی، انجام گرفت.

یک نمونه برجسته این اعتراضات، اعتراض کارگران نساجی در اصفهان در مراسم اول ماه مه دولتی در اصفهان و جلوگیری کردن آنها از

شدن محمود صالحی از زندان نمونه برجسته و موفق از همبستگی اتحاد کارگری در سال ۸۰ بود. نمونه برجسته دیگری از همبستگی کارگری و پیشبرد مبارزاتی فراکارخانه ای تجمع اعتراضی همزمان کارگران چیت ری و جامکو در مقابل مجلس بود تا جایی که تکرار این اقدام از سوی کارگران کفش شادانپور و جامکو در تیرماه در همین محل انعکاس وسیعی در سطح جامعه پیدا کرد. در این سال مجلس به محل برگزاری تجمعات اعتراضی کارگران و به محلی برای جلب حمایت کارگران دیگر و مردم از مبارزاتشان تبدیل شده بود.

در موارد زیادی از اعتراضات کارگری در سال گذشته ما شاهد حمایت خانواده های کارگری و حمایت مردم از مبارزات کارگران بودیم. این یک ویژگی برجسته این اعتراضات نسبت به سالهای گذشته بود. از جمله در تجمع اعتراضی کارگران چیت ری و کارگران کفش شادانپور در مقابل مجلس و در راهپیمایی اعتراضی کارگران نساجی اصفهان و بالاخره نمونه اخیر حرکت اعتراضی کارگران کارخانه نساجی رحیم زاده در اصفهان خانواده های کارگران نیز شرکت داشتند.

سازماندهی

سال ۸۰ ما شاهد وجود یک جنبش کارگری پر جوش و خروش و در حال متشکل شدن هستیم. شاهد تشکیل هر روزه مجامع عمومی کارگری بعنوان ظرف اعتراض کارگران در کارخانجات هستیم. ما شاهد سازماندهی اعتراضات طولانی مدت یکپهفته ای و یا بیشتر هستیم. اعتراضاتی فراکارخانه ای که با کشیده شدن به خیابانها و تظاهرات در مواردی میتواند حمایت مردم و خانواده های کارگری را بخود جلب کند. ما با سازماندهی اشکال متنوعی از اعتراض مانند پیکت، تحصن، تجمع، تظاهرات و بالاخره اعتصاب های اخطاری روبرویم. اینها همه نمونه های برجسته ای از توان رهبران کارگری در سازماندهی حرکات اعتراضی کارگری و گامهای بزرگی است که جنبش کارگری ایران در متشکل کردن خود به جلو برداشته است.

سال ۸۱ سالی پر تنش برای رژیم و سال مبارزات وسیع و با شکوه مردم و یکسره کردن تکلیف خود با رژیم است. از جمله حاد شدن بحث ضرورت تشکل در میان معلمان و اقشار مختلف جامعه و در میان کارگران حاکی از آماده شدن و صف آرای شدن برای این نبرد تعیین کننده است. با برپایی مجامع عمومی کارگری و ارتباط با مجامع عمومی کارخانجات دیگر صف فشرده خود را سازمان دهیم. ■

برخورد رژیم به اعتراضات کارگری
در برخورد به مبارزات کارگران در سال گذشته رژیم از یکسو تلاش

سخنرانی سهیلا جلودارزاده بود. در این تظاهرات کارگران در تقابل با تبلیغات فاشیستی رژیم و مزدوران خانه کارگر و جلودارزاده نماینده مجلس به حمایت از کارگران افغانستانی شعار میدادند و با آوردن پلاکاردهایی که بر روی آن نوشته شده بود ما خواهان دستمزدهای معوقه خود هستیم مراسم دولتی رژیم را بر هم زدند. در تهران نیز کارگران در این روز با شعارهای کارگر آگاه است از استعمار بیزار است، آزادی اعتصاب حق مسلم ماست، ما کارگران نژاد پرستی را محکوم میکنیم، در مقابله با تجمع دولتی در مقابل مجلس تجمع مستقل خود را بر پا داشتند. نمونه دیگر حرکات اعتراضی برجسته سال ۸۰ راهپیمایی همزمان کارگران چندین کارخانه نساجی در شهر اصفهان در مهرماه بود که در پیوستن مردم به صف کارگران در کل شهر و منطقه انعکاس وسیعی پیدا کرد.

همچنین تجمع اعتراضی کارگران کفش شادانپور و جامکو در مقابل مجلس اسلامی انعکاس وسیعی در میان مردم پیدا کرد و در روزنامه های دولتی از آن بعنوان بحران کارگری صحبت شد. و بالاخره نمونه قابل توجه دیگر اعتراضات کارگری در سال ۸۰ راهپیمایی با شکوه کارگران لوله سازی اهواز در ۳ بهمن ماه بود.

اشکال تعرضی اعتراضات کارگری در سال گذشته، متکی بودن این اعتراضات به مجامع عمومی کارگری و بی اعتباری شوراهای اسلامی و خانه کارگر بعنوان نهادهایی آبرویافته و دولت ساخته در این اعتراضات و دیگر شواهد بیانگر رشد رادیکالیسم در راس جنبش کارگری در ایران است.

اتحاد و همبستگی کارگران

در سال گذشته کارگران در مبارزاتشان اشکال برجسته و قابل توجهی از اتحاد و همبستگی کارگری را به نمایش گذاشتند. بدنبال تلاش کارگران سندیکای خبازان در سفر و تلاشهای کارگران در دیگر شهرهای ایران برای آزادی محمود صالحی دبیر سندیکای خبازان سقر از زندان و بدنبال کمپین وسیع حزب کمونیست کارگری ایران در جلب حمایت و پشتیبانی اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف اروپایی برای آزاد شدن وی، محمود صالحی در ۱۹ فروردین ماه از زندان آزاد شد. آزاد

داشت که با دادن قول و وعده از بهم مرتبط شدن اعتراضات کارگران در کارخانجات مختلف، کشیده شدن این اعتراضات به مراکز کارگری دیگر و گسترش آنها جلوگیری کند و فضا را آرام نگه دارد و از سوی دیگر هر کجا که خطر کشیده شدن این اعتراضات به سطح شهر و به سطح جامعه محسوس بود به سرکوب فوری متوسل شده و با وارد کردن نیروی انتظامی و دستگیری و مورد هجوم قرار دادن کارگران تلاش داشت حرکت اعتراضی آنان را عقب براند. بطور مثال در برخورد به راهپیمایی کارگران نساجی اصفهان و مشاهده خطر گسترش این حرکت در سطح شهر رژیم با وارد کردن نیروی انتظامی و جلوگیری از پیوستن مردم به صف کارگران و نیز با سرکوب و دستگیری، با حرکت اعتراضی کارگران مقابله کرد و با وعده طرح اختصاص بودجه ای اضطراری در مجلس برای پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران تلاش کرد که موقتا آرامش را برقرار سازد. عین همین عکس العمل را ما از جانب رژیم در برخورد به اجتماع اعتراضی کارگران جامکو و شادانپور در مقابل مجلس شاهد بودیم.

در ماههای پایانی سال و بدنبال تظاهرات گسترده معلمان با خواست افزایش حقوقها، خواست افزایش دستمزدها در میان کارگران و اقشار دیگر جامعه به موضوع حادی تبدیل شد. از اینرو مساله تعیین میزان حداقل دستمزدها برای سال ۸۱ به معضلی جدی تبدیل شد و رژیم را در برخورد با کارگران و خواستههایشان محتاط کرد. این موضوع یکی از سرتیترهای مهم روزنامه ها و اخبار رسانه ها را تشکیل میداد و نگرانی و ترس از اعلام تصمیمات دولت در این رابطه در روزنامه ها و مباحثات واضح و آشکار بود.

سال ۸۱ سالی پر تنش برای رژیم و سال مبارزات وسیع و با شکوه مردم و یکسره کردن تکلیف خود با رژیم است. از جمله حاد شدن بحث ضرورت تشکل در میان معلمان و اقشار مختلف جامعه و در میان کارگران حاکی از آماده شدن و صف آرای شدن برای این نبرد تعیین کننده است. با برپایی مجامع عمومی کارگری و ارتباط با مجامع عمومی کارخانجات دیگر صف فشرده خود را سازمان دهیم. ■

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England